

قبله دل !

وصال دوست به جان و دل آرزو دارم!

چه آرزوی محال از خدای او دارم!

نماز شوق گزارم به قبله گاه رخس

که از فراق دو چشمش ز خون وضو دارم!

چه حاجت است به پیمانۀ ای و یا قدحی

که در تن نگهش می سبو سبو دارم!

به بزم عشق ز ما رو متاب ای گل ناز

که در حضور رقیبانم آبرو دارم!

ز زخم های دل خویش هیچ شرم نیست

چو از سر مژده ات سوزن رفو دارم!

به شهر عشق نبودم سری و سامانی

هر آنچه دارم از آن شوخ خو برو دارم!

ز آرزوی وصالش نمی شوم نومید

که چشم لطف و کرم زان فرشته خو دارم!

رضا شاپوریان

پنجشنبه ۲۳ آپریل ۱۹۹۸